یادداشت

برای خانواده بیژن پورقناد، راننده‌ای که جانش را در انفجار بندر شهید رجایی از دست داد

رفتنی که غیاب نه، فریاد است

نیلوفر حامدی

اصلا ممکن است آدمی ترس را تجربه نکرده باشد؟ آن جنس از نفس‌تنگی و عجز که انگار همه جهان را در مه فرو می‌برد. شاید هم نه، جهان در مسیر خود قرار دارد و این تویی که زیر مه سنگین، چشمانت اطراف را نمی‌بیند. سوگ هم احتمالا شبیه‌ترین موقعیت به ترس است. برعکس همه حرف و حدیث‌ها و دلداری‌های رایج هم هیچ قصد ندارد دست از سرت بردارد و هیچ پشت سر گذاشتنی هم در کار نیست. می‌آید، در دلت می‌نشیند، در کنجی خانه می‌کند و تا همیشه همان جا می‌ماند. با هر باد، خاکسترش دوباره از نو الو می‌گیرد و درست مثل روز اول جانت را می‌سوزاند. «رولان بارت»، نویسنده فرانسوی، حتی بهتر توصیفش می‌کند: «سوگ زخم نیست. یک کشور است. جایی که در آن زندگی می‌کنی و کسی جز تو، آن را روی نقشه نمی‌بیند. بازگشت مکرر به همان لحظه‌ای است که می‌دانیم دیگر بازگشتی در کار نیست». این، همان حقیقتی بود که می‌شد در ظهر تلخ و گس جمعه پیش، در چشمان «مهشید» خواند. دختر جوان مردی که نامش همراه با صدای مهیب انفجار اسکله شهید رجایی در گوش‌ها پیچید. «بیژن پورقناد» را می‌شد از حاشیه یک حادثه تلخ، حالا در متن دلتنگی خانواده‌ای عزادار، محزون اما متعین دید. در مراسم یادبودی که خانواده‌اش، ۲۶ اردیبهشت‌ماه امسال، در مسجد الزهرای خیابان هرمزان تهران برگزار کرده بودند تا میزبان دیگرانی شوند که شبیه به خودشان، عزادار رفتن مرد عزیزی بودند. درست ۲۰ روز پس از آن ششم اردیبهشت نحس و کذایی که جان‌های عزیز زیادی را برای همیشه خاموش کرد.

می‌گویند فقدان فقط یک شکاف نیست که درد ایجاد کند، بلکه از همان خط گسل و شکاف، عشق انسانی شعله‌ور می‌شود. همین را هم می‌شد در چشمان که نه، در حفره‌های خالی صورت عزاداران روز جمعه یافت. از همسرش که متین و آرام، در گوشه‌ای نشسته بود و اشک می‌ریخت، اما حواسش بود به میهمانانش هم لبخند بزند. در صورت ماتم‌گرفته اما پرصلابت پسرش که داوطلب شد تا خودش روضه پدرش را بخواند و در میان جملات سراسر حسرت‌بارش از مدعوین خواست تا هر بدی که از دیگران دیدند ببخشند، تا خیر جمعی ناشی از این بخشش عمومی به آمرزش روان پدرش برسد. از چهره دخترانش که حالا باید بدون پدر می‌جنگیدند. این را پیش‌تر مهشید نوشته بود؛ وقتی که هنوز بقایای پیکر پدرش شناسایی نشده بود و روزهای پس از انفجار در بهت و بی‌خبری می‌گذشت: «...کاش تو بودی. کاش تو بودی. کاش تو بودی بابا و با هم می‌جنگیدیم».

اما آنچه ظهر روز جمعه را حزن‌انگیزتر هم می‌کرد، پرسشی بود که در چشمان ماتم‌زده همه سیاه‌پوشان حاضر در آن مراسم موج می‌زد و به روشنی خبر می‌داد که همه آنها به دنبال پاسخی ناتمام می‌گردند. چراکه غم این فقدان فقط به از دست دادن یک انسان شریف محدود نمی‌شد و در ابهام و تاریکی علت حادثه ریشه داشت، که ریشه دارد. تا هر روزی که حقیقت ماجرا روشن شود. جاماندن حقیقت پشت این انفجار مرموز، زخمی عمیق‌تر بر دل خانواده و جامعه باقی می‌گذارد. نبود پاسخ و شفافیت، ناامیدی و حس بی‌عدالتی را تشدید و غم را دوچندان می‌کند. خانواده‌ها در سوگ عزیزان‌شان، نه‌تنها با درد فقدان، بلکه با پرسش‌های بی‌پاسخ و بی‌نتیجه دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ سوگی که به‌جای آرامش، بار سنگینی از ناگفته‌ها و انتظارهای بی‌پایان به جا می‌گذارد.

بیژن پورقناد، راننده‌ای ساده و شریف شبیه به ده‌ها کارگر و کارمند و راننده‌ای که آن روز با زندگی خداحافظی کردند -آنها که در خطوط پررنگ گزارش‌های خبری جا نمی‌گیرند اما در زندگی واقعی مردم، در چرخیدن بی‌ادعای چرخ زندگی نقشی بی‌بدیل دارند- رفت اما یاد او و بقیه دوستان و همکارانش تا همیشه در دل‌های همه باقی است. نه‌فقط خانواده و دوستانش، که تمام ایرانیانی که همراه با گرگرفتن آتش در اسکله شهید رجایی قلبشان سوخت. اینجا باید به خانواده‌اش، به دوستانش، به همه کسانی که بیژن را در نان و نمک زندگی‌شان می‌شناختند، تسلیت گفت. شاید تصور شود جامعه‌ای که به شنیدن خبرهای تلخ خو گرفته، خیلی زود سرش را برگرداند و این فاجعه را هم در کنار سایر عزاداری‌هایش نگاه دارد. اما برای ما، برای هر کسی که هنوز دلش از صدای آدم‌ها می‌لرزد، بیژن نمادی است از تمام بی‌صدایان این خاک. آنهایی که رفتن‌شان فقط یک غیاب نیست، یک فریاد است؛ خاموش اما جاری.

گزارش «شرق» از تنش جدید والدین، دانش‌آموزان و معلمان با اعلام شروع به کار مدارس از ساعت ۶ صبح

علیه مدرسه

بررسی‌های «شرق» نشان می‌دهد بسیاری از مدارس حاضر به اجرای دستور آموزش و پرورش نشده‌اند. والدین می‌گویند کودک باید ۵ صبح بیدار و خواب‌آلوده به مدرسه فرستاده شود

نسترن فرخه

زنگ مدرسه یک ساعت زودتر به صدا درمی‌آید؛ شش صبح شروع کار است و یک ظهر پایان. درست مانند اداره‌های دولتی. «مدارس دولتی و غیرانتفاعی موظف‌اند از ساعت شش صبح شروع به کار کنند و تا ساعت ۱۳ ظهر فعالیت‌شان تمام شود»؛ این بخشی از اطلاعیه آموزش و پرورش است که بیست‌ودوم اردیبهشت‌ماه منتشر شد. طبق این دستورالعمل که باید به شکل ضربتی در مدارس اجرا شود تا دانش‌آموزان هم بخشی از مشکل ناترازی انرژی کشور را به دوش کشند، اما ماجرا فقط به اینجا ختم نمی‌شود. به گفته والدین و معلم‌ها، کودکان باید از پنج صبح برای رفتن به مدرسه آماده شوند که این تغییر ساعت، فشار روانی و جسمی برای آنها همراه دارد. با این حال بسیاری از کارشناسان تأکید دارند ساعت آموزش باید با فیزیولوژی کودکان هماهنگ باشد. در چنین تصمیم‌هایی طبق کنوانسیون حقوق کودک، مصالح عالیه کودکان در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین براساس گفته‌های معلمان و کادر مدارس در این ساعت روز، آموزش‌پذیری کودکان بسیار پایین خواهد بود که بر افت تحصیل اثر مستقیم خواهد داشت. به باور این متخصصان، چنین تصمیم‌های نسنجیده‌ای به‌جای آنکه کودکان را به تحصیل مشتاق‌تر کند، آنها را دلزده و بی‌انگیزه‌تر می‌کند؛ موضوعی که حتی برای کادر مدرسه هم دشواری‌های خاص خود را به همراه آورده و برخی از آنها در گفت‌وگو با «شرق» می‌گویند با این تغییر ساعت، کادر مدرسه باید از یک ساعت قبل، یعنی پنج صبح در مدرسه حاضر باشد و با این حساب باید چهار صبح برای رسیدن به مدرسه راه بیفتند که برای بسیاری غیرممکن است.

از طرفی طی این سال‌ها، بارها به وزارتخانه پیشنهاد شده ساعت آموزش کودکان باید کمی دیرتر از ۷:۳۰ صبح شروع شود که آموزش‌پذیری مؤثرتری انجام شود، اما نه‌تنها این اتفاق به دلایل مختلف رخ نداده، بلکه حالا مدارس از ساعت زودتری باید شروع به فعالیت کنند. این تصمیم‌گیری‌ها منجر به نگرانی کارشناسان و متخصصان حوزه آموزش شده که باور دارند به‌جای کاهش بحران‌های سیستم آموزشی، هر روز به اشکال مختلف به آن افزوده می‌شود. در همین زمینه سخنگوی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده: «قطعا بازشدن مدارس در ساعت شش صبح برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار است، اما باید بپذیریم که شرایط انرژی در کشور عادی نیست و همه ما باید برای مدیریت بهتر این وضعیت، با یکدیگر همراهی کنیم و هیچ مدرسه‌ای اجازه ادامه فعالیت بعد از ساعت ۱۳ را ندارد». اما پیرو این تصمیم و صحبت‌های سخنگوی آموزش و پرورش، نقدهایی به نادیده‌گرفتن توان روانی و جسمی کودکان مطرح شده و نایب‌رئیس مجلس از دولت خواستار تجدیدنظر در تغییر ساعت شروع مدارس شده و گفته این تغییر ساعت به‌شدت مورد اعتراض مردم است.

عکس: پورنازلی، ایرنا

استیصال مدرسه

مدیر و معلم و معاون، همه از تغییر ساعت مدارس انتقاد دارند. آنها از کاهش میزان یادگیری دانش‌آموزان در ساعت‌های شروع فعالیت در کلاس درس می‌گویند که حالا با این تصمیم ضربتی اوضاع وخیم‌تر هم می‌شود. از طرفی اعلام می‌کنند برای شروع کار مدارس در شش صبح، کادر مدرسه باید از یک ساعت قبل در مدرسه حضور داشته باشند که پنج صبح است. این یعنی حدود چهار صبح باید به سمت مدرسه حرکت کنند، بنابراین طبق گفت‌وگوی «شرق» با کادر مدرسه، بسیاری از مدارس زیر بار این تصمیم نرفته‌اند و مانند روال قبل به کارشان ادامه می‌دهند که البته با چالش‌هایی هم همراه شده‌اند.

یکی از معاون‌های آموزشی متوسطه اول در مدرسه‌ای دولتی و پسرانه در شهریار، برای «شرق» توضیح می‌دهد: «به طور کلی دانش‌آموزان معمولا تا ساعت ۹ صبح در کلاس‌ها خواب‌آلود هستند. درحالی‌که اگر از شش صبح سر کلاس بنشینند، راندمان‌شان برای آموزش‌پذیری کمتر هم می‌شود. برنامه شروع کار مدارس از شش صبح برای ما چالش‌هایی داشته است. وقتی به ما اطلاع داده شد، تنها یک تا دو ساعت زمان داشتیم تا یک تصمیم درست بگیریم. این تصمیم می‌تواند از یک طرف اولیا را برای رفت‌وآمد با راننده‌های سرویس دچار چالش و از طرفی تنظیم خواب دانش‌آموزان را خراب کند. این تغییر ساعت تأثیرات منفی خواهد داشت. به ما گفتند ساعت کار از شش تا ۱۰ صبح و شیفت بعدی هم از ۱۰:۳۰ تا یک بعدازظهر باشد. درحالی‌که ساعت آموزش در مدارس باید براساس فیزیولوژی کودکان در نظر گرفته شود. حتی برای کادر مدرسه هم سخت است. تصور کنید اگر قرار باشد مدارس شش صبح فعال شوند، پس کادر مدرسه باید از یک ساعت قبل در مدرسه حضور داشته باشد که با در نظر گرفتن مسیر رفت‌وآمد، واقعا برای بسیاری از همکاران دشوار است. در این روزهای پایانی سال تحصیلی که دانش‌آموزان استرس امتحان‌ها را دارند، چنین مسائلی مخرب است».

معلم دیگری که در مقطع متوسطه اول و دوم مدارس دخترانه در کرج کار می‌کند، این تغییر ساعت مدارس را اشتباه می‌داند و توضیح می‌دهد: «به عنوان کادر مدرسه شاهدیم که بیشتر دانش‌آموزان در ساعت‌های اول کلاس خواب‌آلود هستند. الان با توجه به قدرت مدیران مدارس، هر مدرسه سلیقه‌ای عمل می‌کند و واقعا در چند روز پایان سال تحصیلی، چنین تصمیمی آن‌قدر ضروری بود که ما و خانواده‌ها را آشفته کنند؟ حتی سال قبل هم که امتحانات ساعت هفت صبح برگزار می‌شد، من اعتراض کردم، چون دانش‌آموزان باید از یک ساعت قبل در مدرسه حاضر می‌شدند و جدا از استرسی که تحمل می‌کنند، چطور می‌توانند در آن ساعت امتحان بدهند؟ طبق چیزی که ابلاغ شده باید بین ساعت شش تا ۹ صبح امتحان هر دو شیفت برگزار شود که این آسیب‌زا خواهد بود. در مدرسه ما این اتفاق نیفتاد ولی همکاران دیگرم که از چند روز قبل مجبور شده‌اند ساعت شش صبح کلاس درس را شروع کنند، از کیفیت پایین آموزش سر کلاس می‌گویند که بازدهی نخواهد داشت. در کشورهای دیگر معمولا ساعت آموزش بعد از ۹ صبح شروع می‌شود، ولی ما به‌جای آنکه دیرتر شروع کنیم، زمان را زودتر هم اعلام کردیم. در آن ساعت خیابان هم خلوت است و باید کودکان با همراهی یک نفر به مدرسه بروند».

سردرگمی والدین

مدارس بسیاری زیر بار این تصمیم آموزش و پرورش نرفته‌اند و مانند روال قبل، فعالیت می‌کنند. اما در بین آنها مدارس دیگری هم هستند که به والدین اعلام کرده‌اند دانش‌آموزان باید از شش صبح در مدرسه حاضر شوند و بیشتر والدین نگران‌اند که چنین برنامه‌ای سال بعد هم در مدارس اجرا شود. یکی از مادران جوان که پسرش کلاس سوم است، درباره این موضوع می‌گوید: «مدرسه پسرم نزدیک متروی شهرری است و هر روز خودم او را به مدرسه می‌برم، از پریروز مدرسه اعلام کرده همه پایه‌ها از شش صبح در مدرسه حاضر شوند و این بچه با خستگی و خواب‌آلودگی راهی مدرسه می‌شود. بچه را باید ساعت پنج صبح بیدار کنم تا صبحانه بخورد و آماده شود. امروز صبح گریه می‌کرد و نمی‌خواست به مدرسه برود، اما چاره چیست؟ فقط سه، چهار روز دیگر باید به مدرسه برود که روزهای مهم آخر سال است. امیدوارم برای سال بعد چنین برنامه‌ای نداشته باشند. این ظلم به کودکان است». مادر دیگری که دخترهای دوقلو دارد و در یکی از مدارس محله گیشا تحصیل می‌کنند نیز همین نقدها را دارد: «دخترهای من کلاس پنجم‌اند و با اینکه خودم شاغلم، هر روز آنها را به مدرسه می‌برم. حالا با این شرایط باید دخترها را قبل از طلوع آفتاب بیدار کنم تا آماده مدرسه شوند. جالب آنکه کادر مدرسه هم منتقد این وضعیت است. در گروهی که با والدین داریم مدرسه اعلام کرده که والدین شاغل می‌توانند فرزندانشان را ساعت شش به مدرسه بیاورد، ولی فعالیت مدرسه از همان ساعت قبلی یعنی ۷ و ۳۰ دقیقه صبح، شروع می‌شود. در این شرایط بچه‌ها باید یک ساعت و نیم بیکار در کلاس درس بنشینند». براساس نظر کارشناسان، ساعت آموزش کودکان باید دیرتر از هفت صبح باشد و حتی بارها در این مورد پیشنهادهایی به آموزش و پرورش داده شده که جدا از محدودیت‌های این وزارتخانه، مسائل مربوط به خانواده‌ها هم مانع آن شده است. با این حال محمدرضا نیک‌نژاد، عضو کانون صنفی معلمان، به همین موضوع اشاره می‌کند و به «شرق» می‌گوید: «پژوهش‌های بسیاری نشان داده که هرچه ساعت شروع مدرسه دیرتر باشد، عملکرد معلم و یادگیری دانش‌آموز هم بیشتر خواهد شد. بنابراین بسیاری از کشورها که سیستم آموزشی بهتری دارند، کلاس‌های درس مدارس را دیرتر شروع می‌کنند. در ایران هم سال‌هاست کارشناسان می‌گویند باید کلاس‌های درس مدارس دیرتر شروع به کار کند ولی گوشی برای شنیدن وجود ندارد. البته مسائل مختلفی وجود دارد که این امر تا حالا ممکن نبوده. با این حال اعلام شروع فعالیت مدارس از ۶ صبح دیگر خیلی عجیب است. این تغییر ساعت فشار مضاعف برای مردم دارد و قطعا فشار جسمی، روانی و افت آموزشی کودکان را همراه خواهد داشت. البته مدارس بسیاری زیر بار این تغییر ساعت نرفته‌اند و مطابق قبل پیش می‌روند ولی اینکه چنین برنامه‌ای اجرا شود یک بحث است و اینکه باعث آشفتگی می‌شود بحث دیگر. این تصمیم‌ها باعث بحران می‌شود. در آموزش و پرورش مخاطب ما افراد زیر ۱۸ سال هستند که باید یک فضای آرام داشته باشند. در این مورد هم طی پیگیری‌هایی که کردم در برخی مدارس، والدین و دانش‌آموزان با حضور در ساعت شش صبح مخالفت کرده‌اند. برخی مدارس هم خود مدیران مخالف بوده‌اند و به همین دلیل بیشتر مدارس مانند ساعت قبل فعالیت می‌کنند». او ادامه می‌دهد: «با وجود ایجاد چنین چالش‌هایی، در نظر بگیرید که امسال ۵۰ روز مدارس به دلایل مختلف تعطیل بوده‌اند و به قدر کافی بحران در حوزه آموزش داریم. همه جای دنیا باید فضای آموزشی در امن‌ترین شرایط خودش قرار گیرد تا چالشی برای کودکان پیش نیاید ولی ما تصمیم‌های مختلف کشور را در این حوزه دخیل می‌کنیم که همه آسیب برای کودکان و آموزش است».

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

استیضاح وزیر راه و شهرسازی در سراب آب و آبادی

ادامه از صفحه اول

۴- استیضاح‌کنندگان از «عدم تسلط فنی» وزیر سخن گفته‌اند. چنین سخنی عجیب و دور از ذهن است. وزیر راه و شهرسازی شخصی است که از پایین‌ترین رده‌های کارشناسی تا معاونت وزیر (در دو دوره دولت روحانی و رئیسی) را طی کرده و به جایگاه وزارت رسیده است. این عبارت را از نماینده مخالف وزیر راه و شهرسازی، جناب آقای نقدعلی، در جلسه رأی اعتماد نقل می‌کنم که گفتند: «ایشان تخصص لازم را دارند و کسی نمی‌خواهد تخصص ایشان را زیر سؤال ببرد». به عبارتی، حتی مخالفان نیز در تخصص وزیر محترم، شبهه نکردند. طبیعی است که هیچ شخصی را نمی‌توان برای این جایگاه در نظر گرفت که تجربه کارشناسی و مدیریتی را در تمام بخش‌های تخصصی وزارتخانه دارا باشد. بنابرین، سخن از عدم تسلط وزیر، حرفی نیست که مقبول نظر هیچ فرد منصفی قرار داشته باشد و طرح چنین عبارات لرزانی از سوی استیضاح‌کنندگان، مناسب نیست. ۵- از جمله نکات محل اختلاف میان رویکرد استیضاح‌کنندگان و وزارت راه و شهرسازی، مسئله تأمین زمین برای احداث مسکن است. اخیرا یکی از استادان جوان شهرسازی که در سه، چهار سال اخیر، صادقانه و با خلوص نیت به نفع دیدگاه آقای منان‌رئیسی و دوستانشان در راستای توسعه افقی شهرها شمشیر می‌زد، اعتراف تلخی کرد. او نوشت: «عده‌ای ذی‌نفوذ فشار می‌آوردند که تقریبا به اندازه نصف شهر کنونی [همدان] زمین‌هایشان الحاق شود». واقعیت این است که در پس دغدغه دلسوزانه و البته خام‌اندیشانه الحاق زمین به شهرها برای تأمین و ارزان‌سازی زمین، چنین رانت‌هایی نیز نهفته است و استیضاح‌کنندگان حتما این نکته را می‌دانند. کسانی که مبانی تئوریک توسعه افقی شهرها را پخت‌وپز می‌کردند و کسانی که آن را به سند و قاعده و قانون تبدیل می‌کردند، تصور می‌کردند با این کار، رؤیای تحقق شهر اسلامی تعبیر می‌شود. در بیابان‌های حاشیه شهرها، سراب آب و آبادی می‌دیدند. ایرادی ندارد، می‌توان سراب دید. اما وقتی در جایگاه قانون‌گذار و سیاست‌گذار قرار می‌گیریم، حق نداریم مردم و بیت‌المال را در سراب غرق کنیم. قدرت قانونی استیضاح وزیر، چنین حقی به ما نمی‌دهد. و نکته‌ای در پایان سخن، به گمانم دفاع از وزیر راه و شهرسازی از این منظر که ایشان «تنها وزیر زن» کابینه پزشکیان است، جفا به ایشان است. برخی مدعی می‌شوند تبعیض مثبت جنسیتی تنها عامل معرفی و رأی به ایشان به عنوان وزیر بوده است. توجه ندارند که وزیر، از بهترین گزینه‌هایی است که به عنوان یک جوان مجرب که مراتب کارشناسی و مدیریت را طی کرده است، در مقام وزارت قرار دارد. گیریم با او در محورهایی اختلاف کارشناسی، سیاسی و مدیریتی داشته باشیم، محورهای استیضاح برای افکار عمومی قانع‌کننده نیست و نسبتی با شرایط سیاسی و اقتصادی و مدیریتی امروز کشور و نیز گفتمان وفاق ندارد.

جدول ۵۰۵۲ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- هنرکنده‌کاری روی چوب- عید میلاد مسیح- جراحت ۲- انواع خوراکی‌ها از قبیل آجیل و شیرینی- حفاظت از مناطق مرزی ۳- تندرستی- سنبله ذرت- خاندان ۴- قرن- واحد سنجش فرکانس- از جزایر خلیج فارس با معادن سرب و نمک ۵- راه اصلی اتصال به اینترنت- اثری به قلم ژان ژاک روسو- همراهی‌کردن جنازه تا گورستان ۶- کتف- وزیدن باد- نامی دخترانه ۷- خورشتی با مغز گردو- شرم و حیا- لوس ۸- سرزمین آریایی‌ها- بازیکن خط میانی ۹- راه و روش- پول بسیار ناچیز- غذایی از بادمجان ۱۰- روده‌ها- موش خرما- تیراژ ۱۱- کفش علمای دینی- از فروع دین- اهل هند ۱۲- کهن و قدیمی- به کار بستن قانون- دریاچه دیدنی لرستان ۱۳- آش- فتنه- پیل الکتریکی ۱۴- ریاضی‌دان فرانسوی قرن هفدهم- موفق ۱۵- طولانی‌ترین دوران بارداری را در میان حیوانات دارد- خداوندی- اما

عمودی:

۱- لبخند به لب دارد- دستور- در زمستان می‌بارد ۲- دوتا نون- از القاب اشرافی زنان اروپایی- گلی زینتی ۳- از جاذبه‌های گردشگری رشت که آرامگاه عارف و زاهدی مورد علاقه مردم است- دانه معطر ۴- خروس مازندرانی- رهایی‌بخش- عیب و نقص ۵- ادا و اطوار- نام اروپایی ساز چنگ- از گیاهان تک‌لپه‌ای ۶- شیره گون- منتشرکننده کتاب- جانشینان ۷- باقی‌مانده- مادر اختراع است- امر به رفتن دارد ۸- از سوره‌های قرآن که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند- قشنگ- از تیم‌های فوتبال روسیه- تلاش دفاعی بدن در مقابل بیماری ۹- فیلمی ساخته مسعود کیمیایی- غده‌ای در گلو- ضروری ۱۰- برزن- در بیان علت به کار می‌رود- اعلامیه تبلیغاتی ۱۱- پرده‌داری خانه کعبه- بازپرس قدیم- پدر آذری ۱۲- باغ دیدنی شیراز- دارای ضمانت و مصونیت در برابر خطر- ریگ نرم ۱۳- به دنیا آوردن- داستانی به قلم پائولو کوئیلو، نویسنده برزیلی ۱۴- به ناز راه‌رفتن- رنگ چهره و پوست- نوک بی‌نوک ۱۵- از ادوات ورزش باستانی- امانتی- بیماری زردی

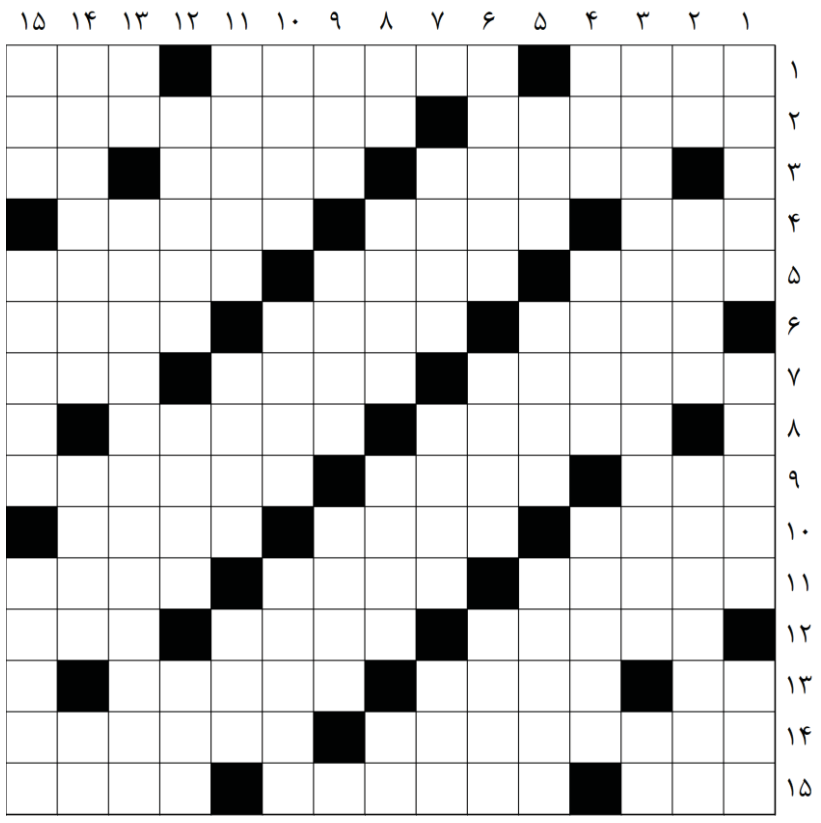

حل سودوکو ۴۰۴۷

۲	۹	۴	۵	۸	۳	۱	۶	۷
۷	۸	۵	۶	۲	۱	۴	۳	۹
۳	۱	۶	۹	۴	۷	۵	۲	۸
۱	۴	۷	۲	۶	۸	۹	۵	۳
۵	۲	۳	۷	۱	۹	۶	۸	۴
۸	۶	۹	۳	۵	۴	۷	۱	۲
۴	۷	۲	۱	۳	۶	۸	۹	۵
۶	۵	۸	۴	۹	۲	۳	۷	۱
۹	۳	۱	۸	۷	۵	۲	۴	۶

۶	۳	۵	۴	۸	۷	۹	۱	۲
۹	۲	۴	۶	۱	۵	۳	۸	۷
۱	۷	۸	۲	۹	۳	۴	۵	۶
۴	۹	۳	۵	۲	۸	۶	۷	۱
۷	۱	۲	۳	۴	۶	۸	۹	۵
۸	۵	۶	۹	۷	۱	۲	۴	۳
۵	۴	۷	۸	۳	۲	۱	۶	۹
۲	۶	۹	۱	۵	۴	۷	۳	۸
۳	۸	۱	۷	۶	۹	۵	۲	۴

حل جدول ۵۰۵۱

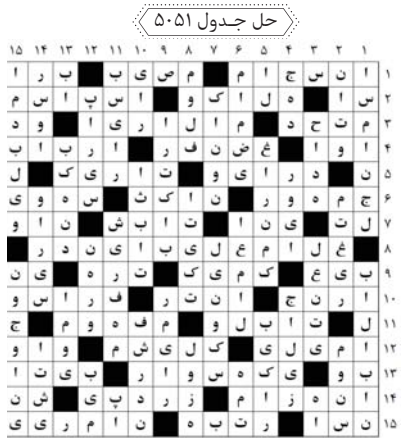

سودوکو سخت ۴۰۴۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۶	۱			۳			
				۹				
۵			۱		۴	۶		۲
۱					۲	۹		۵
		۲				۳		
۶		۷	۸					۴
۸		۳	۲		۵			۹
				۴				
			۳			۱	۲	

سودوکو ساده ۴۰۴۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۴	۱				
۴	۵			۸			۳	۷
۹		۶	۳				۸	
		۴				۷		۸
		۵		۲		۳		
۳		۹				۵		
	۲				۷	۴		۳
۷	۹			۴			۱	۵
				۳	۱			